گفت‌وگو با رضا عطاران و کمال تبریزی

جسارت را از سینماگران گرفته‌اند

گیسو فغفوری/ شهرزاد همتی

قرار گفت‌وگوی دو نفره کمال تبریزی و رضا عطاران یک اتفاق خوبی بود. یکی کارگردانی با تجربه فراوان که هم کارهای طنز و هم فیلم‌های تاثیرگذار دارد و دیگری بازیگری که کارگردان هم هست. هم تجربه تلویزیون دارد و هم سینما. این گفت‌وگو در حالی انجام شد که دو روز به اکران اولین فیلم عطاران باقی مانده بود. دیدن رضا عطاران با حال آشفته و سرگردان بسیار عجیب به نظر می‌رسید. کمی زود تر رسیده بود و مدام به او تلفن می‌شد تا مراحل مختلف آماده‌سازی اکران، خبر داد. این در حالی بود که درست در روز اکران، عوض شدن تاریخ نمایش فیلم خود را از رضا عطاران پس گرفت و اعلام کرد این فیلم جزو آثار ممنوعه است. اما مردم فیلم را دوست داشتند. فیلم در همان سه روز اول بیش از ۱۲۰ میلیون تومان فروخت و میزان توجه به آن بیشتر می‌شود؛ اتفاقی که در این شرایط بسیار خوب بود. حضور کمال تبریزی در کنار عطاران سرشار از دلگرمی بود.

عطاران: خیلی ناراحتم که مزاحم آقای «تبریزی» شدم. من آقای تبریزی را خیلی دوست دارم و دلم می‌خواست حرف بزنم؛ اما از دیشب با خودم فکر می‌کردم که اصلا چه باید گفت؟

تبریزی: واقعیت این است که اتم چه می‌تواند بگوید. راحت نمی‌شود حرف دل‌مان را بزنیم. این همان قضیه است که باعث می‌شود این روزها از حرف زدن فرار کنیم.

◀ آقای عطاران اولین فیلمشان اکران می‌شود و خیلی هم استرس دارند...

عطاران: من با اینکه همیشه آرام بودم اما الان واقعا استرس دارم. هر زنگی که می‌زنند استرس می‌گیرم...

تبریزی: نگران اینکه فیلم اکران شود و پایین کشیده شود؟

عطاران: فقط این نیست. آماده کردن فیلم و تبلیغات آن هم بخشی از استرس من است. شما اصلا از تبلیغات ما چیزی می‌دیدید؟

تبریزی: نه، اگر شما نمی‌گفتید من اصلا نمی‌دانستم که قرار است فیلمتان اکران شود. چراغ خاموش می‌رود؟

عطاران: گفتند اولش زیاد تبلیغ نشود.

◀ با چند تا سینما قرارداد بستید؟

عطاران: ۲۸ تا سینما برای هفت هفته. (پس از انجام این مصاحبه سینماهای حوزه هنری، سینماهای خود را از اکران «خوابم می‌آید» جدا کردند.)

◀ به فیلم «آزمایشگاه» سه هفته اکران دادند، الان جای دوتا سرگروه خالی است اما هیچ فیلمی اکران نمی‌شود. فعلا کسی حاضر نیست فیلمش را اکران کند

عطاران: جدا؟ قراردادها عجیب غریب شده.

تبریزی: پیشرفت کردیم دیگر... اصلا جیزی باقی نمانده است. تعجب می‌کنم چطور حاضر شدید فیلمتان اکران شود؟

عطاران: می‌دانم که قرار بود چند تا فیلم اکران شوند. ولی قبول نکردند. کلا فیلم‌ها نمی‌فروشد. اما معلوم نیست وضع بدتر شود یا بهتر. یعنی به نظر شما ممکن است بعدا بهتر شود؟

تبریزی: اکن شرایط متفاوت است.

عطاران: چیزی که برایم سوال است را بپرسم؟ من اولین فیلمم را می‌خواهم اکران کنم و به دلایل فراوان انگیزه‌ام را از دست دادم. شما چند سال است که کار می‌کنید؟

تبریزی: از سال ۶۴-۶۳ کار می‌کنم.

عطاران: و چند فیلم ساختید! فکر می‌کنم یکی از ویژگی‌های مهم شما این باشد که هیچ وقت انگیزه‌تان تمام نمی‌شود.

تبریزی: نه چون بالاخره شما هر کاری که انجام می‌دهید، خودش یک تجربه تازه است. فرق کار ما با کارهای دیگر همین است که هیچ کدام شبیه قبلی نیست

عطاران: این همه اتفاقی که برای فیلم‌هایتان افتاده تاثیر نگذاشته که انگیزه‌تان از بین برود؟

تبریزی: اتفاقا قاعده کلی این است که باعث شده است که باعث می‌شود این روزها از حرف زدن فرار کنیم. این همان قضیه است که ما در سینما با حرف زدن فرار کنیم. شما بیرون نمی‌روید و زوج داستان پایان خوب و خوشی دارند به هر حال با یک فیلم کمدی طرفیم که از این بیشتر نمی‌شود. اما از محافظت می‌طلبد. اما فرقش در این است که قهرمان پس از طی چرخه داستان به جایگاه اولیه‌اش بر می‌گردد نه چیزی به دست می‌آورد. نه چیزی از دست می‌دهد. این دخترا است که با از دست دادن، هم‌طرز پسر می‌شود و تعادل را حفظ می‌کند. هر چند از دست دادنی خودخواسته بنابراین انتخاب نام قهرمان برای قهرمان داستان بیشتر کنایه‌ای است از قهرمان نبودنش در آزمایشگاه. در عین حال قهرمان بودنش برای دنیای کوچک خودش. آزمایشگاه «حمید محبه» که اولین تجربه سینمایی کارگردانش در این مقام محسوب می‌شود، بسیار سر راست و سر بزیر است و تکلیفش را با خودش می‌داند. سکانس‌های ریتمیک ساختار عطاران فیلم را تشکیل می‌دهد که متناسب است با محتوا و همه به همین حیث به کمدی موزیکال نزدیک می‌شود و طبیعتاً اهمیت موسیقی را بیرنگ‌تر می‌کند. انتخاب خلعتبری انتخاب حساب‌شده‌ای به شمار می‌رود چون هر چه حال موسیقی عنصر مکمل و پررنگی در آزمایشگاه به شمار می‌رود؛ عنصری که همیشه با کمدی عجین بوده است. اینکه کارگردان سابقه‌ای نتاتری داشته بیشتر از اینکه به کار لطمه زده باشد به آن حیث داده است. بازی‌ها حساب شده، دقیق و منظم هستند اما فکر نسرود. یادمان نرود که او چه خدمات بزرگی را به سینمای ایران ارایه کرده حرف هم که می‌زنیم مال وقت مرگ است و به فرد درگذشته و ارتباطی با ما منحصر می‌شود. اما درد این است که ما هرمندان را با روحیه شکننده و کودکانه‌مان درک نمی‌کنیم و آنها را به گوشه‌نشینی می‌کشانیم» «همایون اسعدیان» رییس انجمن کارگردانان هم در گفت‌وگو با «شرق» بیان کرد. «عدم اطلاع‌رسانی درست این مراسم باعث شد که ما با مراسم قریب و سردی روبه‌رو شویم. حداقل زمانی که وظیفه اطلاع‌رسانی به عهده خانه سینما بود، همه با این‌امر، از ماجرا با خبر می‌شدند اما من اطمینان دارم حتی عده کثیری از همکاران از درگذشت این هنرمند می‌اطلاع هستند و برای همین ما چنین مراسمی را برای شایلو قریب مشاهده می‌کنیم.»

◀ آقای تبریزی این نشان‌دهنده این نیست که نگاهی برای رفتار این وسط وجود دارد؟

تبریزی: وجود دارد. اما باید آن را اندیده گرفت. الان فیلم ما پروانه نمایش دارد و من به آقای رضوی می‌گویم خب اکرانش کن. می‌گوید نمی‌شود. من می‌گویم آن دو تا فیلم را ندیدم اما گویا یکی از اینها خیلی ضعیف است. اما برای آن خوب شد چون همه دیدند. مثل اینکه شما یک کسی را منع کنید. البته اتفاق خوبی و تو بیشتر جریانی می‌شود.

◀ آقای عطاران حالا اگر خدای نکرده اتفاق بدی برای اکران فیلم‌تان افتاد چه کار می‌کنید؟

عطاران: مگر می‌شود کاری کرد؟ می‌روم سریال می‌سازم. در فیلم آقای تبریزی بازی می‌کنم... اینکه آدم انگیزه‌اش را از دست ندهد خیلی مهم است.

تبریزی: فیلم شما به جای «روزهای زندگی» اکران می‌شود؟

عطاران: نه، به جای «چک».

تبریزی: آن هم با چک شکست عجیبی مواجه شد.

عطاران: آنها که می‌گفتند فیلمشان می‌فروشد، خوب است. این‌طور شد. همه ترس من از این است. چون فیلم من هم خوب است.

◀ یعنی الان دیگر کسی انتظار فروش از فیلم شما را ندارد؟

عطاران: چک هم همین بود. فیلم من، چک و «کلاه‌قرمزی» و «خدگوله» فیلم‌هایی بود که می‌گفتند ممکن است فروش خوبی داشته باشند.

تبریزی: چک که برگشت خورد. فیلم‌تان نسبت به جشنواره خیلی ممیزی دارد؟

عطاران: خیلی راه آمدند.

◀ خب شما این همه تجربه سریال‌سازی دارید و هر قسمتش به اندازه یک فیلم سینمایی زحمت دارد، چطور اینجا بیننده‌تر درگیر و مضطرب می‌شوید؟

عطاران: موقع ساختن سریال‌ها خیلی راحت بودم، فکر می‌کنم در دوره‌ای بود که مسالهای نداشتم. با کارهایم خیلی راحت برخورد می‌شد. تنها کاری که به مشکل خود و اتفاقا آقای تبریزی هم سر لوکیشن آن اتم «مزنگاه» بود. همیشه خیالم راحت بود.

◀ چون در این مدت نتوانسته بودید سریال بسازید، رفتید سراغ فیلمسازی؟

عطاران: نه! نیستم بود که فیلم بسازم. یک متنی خواستم مال «احمد رفیع‌زاده» که طرحش مال آقای «همت‌آباد» بود. در متن کارهایی انتم شده بود که تحریکم کرد. چیزهایی که کمتر در سینما دیدیم مثل نرینسن و فلاتریک عجیب بدی و... بعد حس کردم می‌توانم موفقیت‌های خوبی از لحاظ تصویری و دیالوگ ایجاد کنم. برای من جدید بود و سخت. من سختی‌اش را دوست داشتم.

◀ یک روستائزی برای ۲۰ ساله‌هاست؛ کدام بخش‌ها بیشتر برایتان سخت بود؟

عطاران: خیلی برای من سخت بود. از همه لحاظ تعداد سکانس، پرداخت هر سکانس، گرفتن دکوپاژها. خودمم هر برای خودم سخت‌ترش کردم که بتواند تجربه خوبی شود.

◀ و حضور آقای عبدی.

عطاران: بسیار عالی! ما قبل از پیش‌تولید آمدیم بازیگر زن انتخاب کنیم. اسم‌ها را که می‌نوشتیم خط خوردند. دیدیم همه تمام شدند. ماندم چه کار کنم و اولین نفر آقای عبدی بود که به نظرم رسید؛ تا آخرش هم پاش ایستادم.

◀ در این انتخاب مشکلی از طرف دادن مجوز نبود؟

عطاران: گفتند بهتر است این‌کار را نکنید. این یعنی که مشکلی ندارد دیگر. واقعا عبدی عالی بود. ما شنیده بودیم کار با او سخت است و دیر سر صحنه می‌آید. اما به موقع سر صحنه می‌آمد. دیرتر از همه هم می‌رفت. یکبار ساعت شش صبح رسیدم، شنیدم کسی با صدای بلند آواز می‌خواند و دیدم اکبر عبدی است.

تبریزی: ما می‌فهمیم که اکبر عبدی است یا نه؟

عطاران: اما به نظر هر کس عبدی یک جور عجیب و غریبی بازی کرد. حالا شما فیلم را ببینید، همان رتال بودن و راحتی که از خودم دوست دارم و شما به آن اشاره کردید. از قدیم دوست داشتم گیر دهم که در بازی هیچ‌گاه این مجال را نیافته تا بر پایه ماهیت ذاتی خودش یعنی با تکیه بر پتانسیل بالای فعلان سینمایی و کسانی که دستی بر آتش سینما دارند و چرخ سینما را می‌گردانند سر و شکلی اصولی بگیرد. سینمای ایران همیشه بر مبنای سلیقه مدیران دولتی که دست بر قضا تمام بنیه مالی سینما را در اختیار داشته‌اند اداره شده است. در همین رویه بی‌ساختاری این خود فیلمسازان بودهاند که با لطایف‌الحیل و با چاشنی شانس و اقبال فلان فیلم را در دوره مدیریت به‌همان مدیر ساخته حال آنکه در دوره‌ای دیگر بعید بوده که امکان ساختش را بیابند. با این هم همین فیلمسازان بودهاند که آنش سینما را گرم نگه داشتند و با مدیریت کردن مدیران؛ امکان کار را برای دوستان فراهم آورده و بعضا در و حدود و جریم سینما را تعریف کردند.

نتیجه اما اینجاست که در این ساختار همه به سینما و در نظر بگیرند. سر آخر اینکه این تاکتیک مدیران در کوتاه‌مدت می‌تواند بیلان کاری آنها را از حیث تعداد فیلم‌ها و یا پیمان تهیه دهد ولی در بلندمدت باعث زوال سینما و از میان رفتن دستاوردهای سه دهه گذشته می‌شود تا سر آخر از سینمای ایران چیزی نماند بعید که امکان ساختش را بیابند. با این هم همین فیلمسازان بودهاند که انتم سینما را گرم نگه داشتند و با مدیریت کردن مدیران؛ امکان کار را برای دوستان فراهم آورده و بعضا در و حدود و جریم سینما را تعریف کردند.

نتیجه اما اینجاست که در این ساختار همه به سینما و در نظر بگیرند. سر آخر اینکه این تاکتیک مدیران در کوتاه‌مدت می‌تواند بیلان کاری آنها از حیث تعداد فیلم‌ها و یا پیمان تهیه دهد ولی در بلندمدت باعث زوال سینما و از میان رفتن دستاوردهای سه دهه گذشته می‌شود تا سر آخر از سینمای ایران چیزی نماند بعید که امکان ساختش را بیابند. با این همه همین فیلمسازان بودهاند که انتم سینما را گرم نگه داشتند و با مدیریت کردن مدیران؛ امکان کار را برای دوستان فراهم آورده و بعضا در و حدود و جریم سینما را تعریف کردند.

◀ شما آقای عبدی را هدایت می‌کردید یا همه چیز را بر عهده خودشان گذاشته بودید؟

عطاران: آقای عبدی که خودش اوستاست. اما در نهایت همان‌طور که گفتم، می‌خواستم به رقابت و واقعیت نزدیک‌تر شود. فکر می‌کنم اگر در کنار دوشهای نشان داده شود، نمی‌فهمند که یک مرد است.

◀ بعد از مریض‌شان بود؟ چقدر از آن اکبر عبدی - عزیزبنه، مادر - دور بودند؟

تبریزی: نحوه حضورشان عالی بود. سرموقع آمدن و رفتن و همه چیز. فکر می‌کنم دوست داشتن نقش و همه اینها هم تاثیر داشت. به نظر من که اکبر عبدی همیشه همان عبدی است. همان نکته‌ای است که آقای تبریزی گفتند. اگر بازیگر جای درست قرار گیرد، همان عبدی همیشگی است. اینش هم چیز نقش بازی کردنه. خیلی عجیب و غریب است. تمام فیلم‌هایشان را دیدید؟

تبریزی: بازیگر توانایی است.

◀ سوال آخر از آقای عطاران که اینقدر عجله دارند. بودند. برای شما به عنوان بازیگر بیشتر میزان و اهمیت نقش در فیلمنامه مهم است یا کارگردان فیلم؟

عطاران: سوال مهمی است. من چون بازیگری را خیلی دوست دارم، کارگردان که خیلی نقش مهمی دارد. خیلی برایم مهم نبوده است ولی چیزی که من خیلی از آن صدمه خوردم کوته‌فکری خودم برای انتخاب نقش و دوست داشتن بازیگری می‌کند و سخت است. این دوست داشتن بازیگری باعث شده خیلی گول بخورم.

تبریزی: به نظر من بازیگر موفق همان کاری را باید بکند که کارگردان انجام می‌دهد. یعنی کارگردان اولین انتخابش طرح ایده یا سیناریس است. بازیگر هم باید این کار را بکند. بازیگر نباید براساس کارگردان انتخاب کند. باید بداند من نقش چه می‌خواهد.

عطاران: من خیلی وقت‌ها براساس متن خوب رفتم که با کارگردانی خراب شده است.

تبریزی: ببینید اگر متن درست باشد، بازیگر می‌تواند خودش را آنجا نشان دهد. می‌تواند مطرح کند. می‌تواند خودش را نجات دهد. درست است که فیلم بد می‌شود چون سینما یک هنر جمعی است اما کسی نمی‌تواند در بازیگری را بگیرد یا ایراد بگیرد.

عطاران: نهایت سعی‌ام را کردم‌ام ولی واقعا ضربه خوردم.

تبریزی: نه اینکه کارگردان واقعا تاثیر ندارد اما بهتر است اولین چیزی که در نظر می‌گیری متن باشد. بعد کارگردان. اول باید برسید متن چیست، بعد چه کارگردانی آن را کار کند. درست برعکس چیزی که اکنون مطرح است.

◀ مشکل شما بودید یا فیلم؟ شما قبول نکردید؟

تبریزی: یا فیلم. ببینید کاری کـه می‌کردند با آن چیزی که ما می‌خواستیم منافات داشت. فیلم می‌سازیم که مـردم ببینند. طبیعتا باید مـردم را به دیدن فیلم دعوت کنیم. مثل اینکه بگوییم اسْب عروسی گرفتیم و مردم را به اینجا دعوت کردیم. باید خود مردم در گوشی به هم خبر بدهند. برای ما این یک اتفاق آگاهانه بود، اما برای فیلمهـای دیگر در یک فرآیند آگاهانه اما ناگفته می‌افتد. شـما می‌خواهی فیلم را اکران کنی، اما نه تبلیغی کردی و نه تیـزری آماده داری. در حالی که اکران فیلم یعنی شلوغش کنی. در اینترنت، در روزنامه‌ها و در شهر و همه بفهمند دربارهاش حرف بزنند. این یک شـروع برای جذب مردم است. وقتی که مردم می‌بینند و خوش‌شان می‌آید به همدیگر می‌گویند کم‌کم دیگران هم به دیدن آن ترغیب شوند.

◀ شما اگر فیلم‌تان را اکران می‌کردید بدون نیاز به این چیزها هم می‌توانستید مردم را خبر کنید.

تبریزی: شـاید برای این بود که کلا گفتند فیلم را اکران نکن. البته گفتند شما بیایید از این زمان بد اکران بعد از محرم و صفر و قبل از جشنواره صرف‌نظر کنید و ما به شما اجازه اکران در عید را می‌دهیم به همراه تبلیغات. به نظرم این فقط یک وعده بود ولی تهیه‌کننده گفت عید خیلی بهتر است و بعد از آن عید هم که...

◀ الان چطور، نمی‌خواهید اکران کنید؟

تبریزی: الان هم هیچی. ولی ما پروانه نمایش داریم، ارشاد می‌گوید شما می‌توانید فیلم‌تان را اکران کنید اما تهیه‌کننده آقای رضوی نمی‌خواهـد اکران کند. آقای رضوی هم می‌گوید به من می‌گویند اکران نکن.

◀ حالا چه کسی این وسط درست می‌گوید؟

تبریزی: واقعا چطور می‌شـود فهمید؟ این سیاست است که کار نکرده برای اینکه تا کار می‌کند، می‌گویند رفت و فیلم سخیف بازی کرد. «رضا شفیعی‌جم» کم‌کار شده، بچه‌های ما کم‌کار شدند. من زدم تو کار جدی، یک راههایی پیدا کردم، رفتم فیلم جدی مثل «ملت حیوان نجیب است» که از جدیه‌ام می‌آید. این فیلم را خیلی دوست دارم، اما اعتبارم پیش مردم از «خروس جنگی» است. از «ورود آقایان ممنوع است»...

تبریزی: در حرفه بازیگری طنز شـما در بازی‌تان از یک ویژگی خاصی بهره می‌برید که از دیگر بازیگران طنز متمایزتان می‌کند؛ نمی‌دانم که در خون شماست یا آن فکـر می‌کنید. حتی می‌توانم بگویم یک ژانر جنس بازیگری‌ای دارید که مشابه ندارد و کسی نمی‌تواند مثل شما بازی کند یا بدل شود. یک ویژگی دیگر هم وجود ندارد، مثلا بگویید به جای آقای عطاران کسی که شبیهش بازی می‌کند را بیاورید. این ویژگی خاص باعث می‌شود که دیگر نمی‌توانیم واژه «شبیه» را برایش به کار ببریم؛ چون در ذاتش یک جور بدیعی دارد و همیشه هم به این لبخند جذب کارتان شدم. فیلم‌های شما را می‌بینم چون می‌دانم در آن یک اتفاقی از نظر فضای طنز می‌افتد که از تکرار و کلیشـه‌های فیلم‌های دیگر میراست.

یک ویژگی خـاص خـودت را دارد. این حتما مال اسـتعداد درونی شمـاست و یک چیـزی را با خودت آوردی مثل تفاوت آدم‌ها با یکدیگر. بدون اغراق و تعارف می‌گویم الان «رضا عطـاران» در فضای طنز یک چیز استثنایی شده است؛ یک چیزی که قابل قیاس با دیگران نیسـت. تاثیرات خودتون را دارد نزله شده است؛ چون بازیگری در سینمای جهان خیلی اهمیت دارد. بنابراین شما قابلید به حرف‌هایی که در فضای زده می‌شود توجه کنی.

عطاران: حالا درباره من خیلی چیز بدی نگفتند. اما بچه‌هایی که مدل من کار طنز می‌کنند، دیدمام که در این یکی، دو سال در خانه‌اش می‌ترسند. کار کنند. ولی کارهایشان را مردم دوست داشتند. همین چواد دو سال است که کار نکرده‌ا خیلی از بچه‌های طنز این اتفاق را تجربه کرده‌اند. من بارها گفته‌ام این حرف‌ها را ول کنید.

تبریزی: همه فیلم را ببینی. یادم است درباره یکی از فیلم‌های من «ملاملوک» - می‌گفتند اینکه سـی‌دی فیلم را بگذاری در خانه ببیـنی فایده ندارد، باید بروی در سینما بشینی و قهقهه مردم را ببینی. من نسخه‌ای قاچاقی از «ملاملوک» دارم که در سـینما از روی پرده گرفته بودند. اصلا نحوه خندیدن مردم ارزش‌زاسـت و از آن خندهات می‌گیرد. فیلم، کیج و موج گرفته شـده و حتی برخی جاها شـنیده نمی‌شـود. ولی صدای خنده مردم باعث می‌شود، بخندی. این را به یادگار نگه داشتمام.

عطـاران: شـما در این یکـی، دوسـاله در جریان نقـد کارهای طنز بودیـد؟ در برنامه هفت، مجله‌ها و روزنامه‌ها.

تبریزی: من برنامه هفت را نگاه نمی‌کردم، دیدم روی اعصابم اثر معکوس می‌گذارد.

◀ چرا؟

تبریـزی: دیدم دارم عصبی می‌شوم از نوع برخورد و مجری...

عطاران: بخش عمده‌ای از این برنامه به کارهای طنز برمی‌گشت. «کمدی سخیف» از همان جا باب شد. من نمی‌توانم بگویم «سخیف» چون اینجا دست‌اندرکار هستم. کمـدی و طنزی که کردمام را دوسـت دارم، یعنی واژه سخیف برای من چیز خوبی است. اعتبار من بین مردم از آن است.

مثلا فیلم «خروس جنگی» را که خیلی از منتقدان به دلیل اسمش ندیده‌اند چون گفتند کار سخیف است خیلی دوست دارم. یا هر کمدی را که ساخته می‌شد به آن عنوان کمدی سخیف می‌دادند. الان کمدی نداریم، کمدی خوب نداریم، کمدی بد نداریم کمدی سـخیف هم نداریم. الان یکی از دلایل اوضاع سینما همین است. مردم دوست دارند بخندند.

من چون راننده‌گی نمی‌کنم خیلی سـوار تاکسـی می‌شـوم و مـردم را می‌بینم. صحبـت می‌کنم. همه یکسـال است که تمنا می‌کنند. تیزی چشمتان. تیزی کلاه‌مان می‌بینم که دوست دارند کار خندهدار ببینند. خسـتگی مردم را دیدم و واقعا دلم خواسته بخندند.یک تجربه دیدم، مردم را دیدم و گفتم کاری بکند. این اصطلاحات آمد و ضربه زد؛ بچه‌هامان گوشه‌گیر شدند.

«جواد رضویان» را مردم دوسـت دارند. اما دو سال است که کار نکرده برای اینکه تا کار می‌کند، می‌گویند رفت و فیلم سخیف بازی کرد. «رضا شفیعی‌جم» کم‌کار شده، بچه‌های ما کم‌کار شدند. من زدم تو کار جدی، یک راههایی پیدا کردم، رفتم فیلم جدی مثل «ملت حیوان نجیب اسـت» که از جدیه‌ام می‌آید. این فیلم را خیلی دوست دارم، اما اعتبارم پیش مردم از «خروس جنگی» است. از «ورود آقایان ممنوع است»...

تبریزی: در حرفه بازیگری طنز شـما در بازی‌تان از یک ویژگی خاصی بهره می‌برید که از دیگر بازیگران طنز متمایزتان می‌کند؛ نمی‌دانم که در خون شماست یا آن فکـر می‌کنید. حتی می‌توانم بگویم یک ژانر جنس بازیگری‌ای دارید که مشابه ندارد و کسی نمی‌تواند مثل شما بازی کند یا بدل شود. یک ویژگی دیگر هم وجود ندارد، مثلا بگویید به جای آقای عطاران کسی که شبیهش بازی می‌کند را بیاورید. این ویژگی خاص باعث می‌شود که دیگر نمی‌توانیم واژه «شبیه» را برایش به کار ببریم؛ چون در ذاتش یک جور بدیعی دارد و همیشه هم به این لبخند جذب کارتان شـدم. فیلم‌های شما را می‌بینم چون می‌دانم در آن یک اتفاقی از نظر فضای طنز می‌افتد که از تکرار و کلیشـه‌های فیلم‌های دیگر میراست.

یک ویژگی خـاص خـودت را دارد. این حتما مال اسـتعداد درونی شمـاست و یک چیـزی را با خودت آوردی مثل تفاوت آدم‌ها با یکدیگر. بدون اغراق و تعارف می‌گویم الان «رضا عطـاران» در فضای طنز یک چیز استثنایی شده است؛ یک چیزی که قابل قیاس با دیگران نیسـت. تاثیرات خودتون را دارد نزله شده است؛ چون بازیگری در سینمای جهان خیلی اهمیت دارد. بنابراین شما قابلید به حرف‌هایی که در فضای زده می‌شود توجه کنی.

◀ شاید برای اینکه آقای تبریزی پشتوانه دارند؟

عطاران: خیلی‌ها پشـتوانه دارنـد ولی این اتفاق در کارهایشان نمی‌افتد.

تبریزی: من اگر جای مسوولان بودم، اولین سیاستی که برایـاش پیش می‌فرمتم، این بود که سعی کنم به مجموعه فیلمسـازهای سـینمای ایران جسارت بدهم. یعنی برعکسی امروز که جسـارت را از سـینماگران می‌گیرند. یکی از دلایلی که فیلم‌ها کیمرهق می‌شود، از مرد عقب می‌افتد و نمی‌تواند کشش ایجاد کند به دلیل عدم جسارت سینماگران اسـت...

◀ شاید هم عدم اعتماد.

تبریـزی: شـاید! این روزهـا انگیزه را از فیلمسـاز می‌گیرند. مثلا فیلمی که شـاید کمی تند است، وقتی که از پرده پایین کشـیده می‌شـود، تاثیـرش را روی تهیه‌کننده، کارگردان و بازیگر و حتی روی مجوز ارشاد می‌گذارد و همه می‌گویند باید احتیاط کنیم.

عطاران: تمام فیلم‌هایی که در جشنواره تایید شده بود دوباره دیده شده مثل فیلم من...

تبریزی: چه اتفاقی می‌افتد در این شـرایط؟ فیلمی را کـه از اسـتاندارد برخوردار اسـت، مثل همین فیلم «چیزهایی هسـت که نمی‌دانی» مردم نمی‌آیند ببینند. تنوع این فیلم‌ها در کنار هـم، آنها را دیدنی می‌کند و باعث می‌شـود اقبال عمومی داشته باشد. درست مثل این است که شما را به یک باغ گل دعوت کنند که همه جور گلی در آن پیدا می‌شود.

ایـن باغ، باغ گلی می‌شـود که مـردم به آن توجه می‌کنند. اما فرض کنید در این باغ گل تنها یک شاخه گل گذاشته باشند و بقیه پژمرده و درب و داغان باشد.

سـینما یک هنر جمعی اسـت، فیلم هم به صورت جمعی سـاخته می‌شـود و باید هم به صورت جمعی دیده شود. سینما این نیسـت که در خلاءهای فیلم بگذاری و نگاه کنی. ویژگی‌اش این اسـت که در سـالن سینما کار کنید چون هم عوض شـد و حالا نوبتی بشاشید در سیمای او دیده می‌شود. موفقیت آن فیلم باعث شد تا او پس از ملودرام تلخ هجر مـادری دوباره به عرصه کمدی برگردد و فیلم غافلگیرکننده «ملاملوک» را بسازد و این باز با یکی از حسـاس‌ترین تابوهای اجتماعی یعنی روحانیت شوخی کند. هرچند در انتهای این فیلم هم همچون فیلم قبلی، لحنش جدی و مدافعانه شـده و به مخاطب گفته می‌شود که این لباس لقبش مقدس است که حتی وقتی به تن یک دزد می‌رود او را آدم می‌کند. اما همین فیلم هم فیلم خوبی است و مزی ندارد و به قول جوانان امروزی، تبریزی تا نه شوخی را رفته است. به هرحال چنانکه اشاره شد، نوع کمدی‌های تبریزی، جریز است بین طنز و فکاهه. البته به لحاظ شکلی، از طنز یا کمدی موقعیت استفاده می‌کند و کمتر به کمدی کلامی متکی است. مهمترین خاصیت اثر کمدی تبریزی، شکسـتن برخی سدهایی است که بر سر گسترش حریم‌های سـاختگی در سینمای ایران کشیده شده‌اند. هرچند این پرسش همیشه مطرح بوده و خواهـد بود که آیا به جز تبریزی و این اواخر دمنمکی، کارگردان دیگری هم هست که اصلا سیمای او دیده می‌شود. موفقیت آن فیلم باعث شد تا او پس از ملودرام تلخ هجر مـادری دوباره به عرصه کمدی برگردد و فیلم غافلگیرکننده «ملاملوک» را بسازد و این باز با یکی از حسـاس‌ترین تابوهای اجتماعی یعنی روحانیت شوخی کند. هرچند در انتهای این فیلم هم همچون فیلم قبلی، لحنش جدی و مدافعانه شـده و به مخاطب گفته می‌شود که این لباس لقبش مقدس است که حتی وقتی به تن یک دزد می‌رود او را آدم می‌کند. اما همین فیلم هم فیلم خوبی است و مزی ندارد و به قول جوانان امروزی، تبریزی تا نه شوخی را رفته است. به هرحال چنانکه اشاره شد، نوع کمدی‌های تبریزی، جریز است بین طنز و فکاهه. البته به لحاظ شکلی، از طنز یا کمدی موقعیت استفاده می‌کند و کمتر به کمدی کلامی متکی است. مهمترین خاصیت اثر کمدی تبریزی، شکسـتن برخی سدهایی است که بر سر گسترش حریم‌های سـاختگی در سینمای ایران کشیده شده‌اند. هرچند این پرسش همیشه مطرح بوده و خواهد بود که آیا به جز تبریزی و این اواخر دمنمکی، فیلم‌ساز است اما گاهی می‌شود که اصلا سیمای او دیده می‌شود. تبریزی که لابد شوخی‌برداز شده است. اما در لیلی باشد باز هم فیلم‌ساز است.